

بیانیه حقوق کارگران و زحمتکشان ایران

پیشنهاد حزب کارگران سوسیالیست

برای قانون اساسی



دست‌های امپریالیسم آمریکا از ایران کوتاه
هیچ حکومت از بالا تعیین شده‌ای به ایران آزادی نخواهد آورد

زنده باد مجلس مؤسسان

انجمن‌های انقلاب مشروطه را احیا کنیم

آزادی زبان ملیت‌های ستمدیده

حق تعیین سرنوشت برای آذربایجان، کردستان و بلوچستان

حقوق کامل و مساوی زنان، آزادی زنان

برقرار باد جمهوری کارگران و دهقانان

حزب کارگران سوسیالیست را بسازیم، بین الملل چهار را بسازیم

امروز کشور ما ایران شاهد سوین انقلاب عظیم تاریخ خود می باشد . انقلاب کنونی در حال پیشروی و نبل به پیروزی - های پیاپی با آن حدت و قاطعیت جلو رفته است که شاه را وادار بخروج از ایران کرده است - این آغاز کار است ! آری ، تأمین زندگی و آزادی برای ده ها میلیون مردم ایران ، از خانه دادن به تیرور و استبداد آغاز می شود .

خروج شاه ، بعضی خاصه یافتن رژیم ۲۸ سرداد است . این رژیم از طریق کودتای معروف سیا در ایران ، در تخاصم با اراده و خافع مردم ایران ، بنا تحصیل گشت . آنچه این زورگوش ظالمین امپریالیسم برای مردم مظلوم ایران بهار آورد ، بیش از ۲۵ سال خفقان سیاسی ، تیرور و شکنجه بود . در این شرایط بود که عقب افتادگی ایران پابرجا ماند . بجای حصول آزادی ، عدالت اجتماعی ، رفور نعمات ، هم آهنگی و آسایش ، ایران در بند یوغ امپریالیسم ، دستگاه محض خفقان ، بی عدالتی ، فلاکت ، بدبختی ، در یک کلام ستم و استعمار ، باقی ماند .

انقلاب حاضر ما ، این عظیم ترین طغیان تاریخ ایران ، شرایط رهایی از این دوزخ را که نیروهای استعمارگر بیگانه و همکاران داخلی آن ها در گذار فرماد می حکومت استبدادی بهار آوردند ، فراهم آورده است .

جوهر تمام تاریخ معاصر کشور ما را مبارزه برای ایجاد رژیم حکومتی دموکراتیک تشکیل می دهد . حکومتی که از اراده مردم ناشی شده و در همین حال به منافع توده عظیم خدمت می کند . متأسفانه ، هرباره هم در خانه انقلاب شکوهمند مشروطه ، و هم دوره انقلابی پس از جنگ دوم ، همه شجاعت و قداکاری توده عظیم برای استقرار حاکمیت خود ، به باد فنا رفته است . هر باره تلاش های عظیم انقلابی قربانی شده و حکومت خود گناه و مستبد پر مردم تحمیل گشته است . این

تأکیدی ها و شکست ها ، حتی در صفحات سیمیت تاریخ جهان جای بارز خود را دارد . لیکن امروزه مبارزه شجاعانه و دگراتارانه مردم مستندیده در ایجاد دیموقراطیک قیامی با تمام تاریخ آن جاده کسب دموکراسی و آزادی را هموار کرده است .

آری ، ما در حال گذار از حساس ترین و قاطع ترین و پیرامیت ترین دوره تاریخ خود هستیم . امپراطوری سرکوبی ، خفقان و اذیت ، یوغ غول های خودخواه امپریالیسم جهانی ، همه در حال اضمحلال است . اراده توده مردم می رود تا درغای آزادی و فرزندی را غنوج گرداند .

تلاش قهرمانانه توده زحمتکشان ایران برای حصول آزادی ، وفور و کاهایی هم اکنون مجبور نیست که از هیچ آغاز کند .

از جنبش عمالگو تا انقلاب مشروطه ، از پیاپی سلطنت رضا شاه تا آغاز جنبش رهایی آذربایجان و کردستان از ستم دولت مرکزی و بالا خیره از جنبش سراسری ملی شدن نفت ، تا پیروزی شکوهمند انقلاب حاضر ، جنبش انقلابی زحمتکشان ایران سنت های خود را داشته است . از میراث گرانبهای برخوردار بوده است . از مبارزات و پیروزی ها ، مقاومت ها و شکست های ناخوش آیند ، تجربیات خود را بدست آورده است .

کل این ها ، سنن ، میراث و ادراکی است که از برخوردار با باران و دشمنان بدست آمده است : آنانی که برای مدد رساندن به کسب آزادی و استقرار حاکمیت مردم به صحنه آمده و می آیند و آنانی که سنگ راه خروج از مخصصه عقب افتادگی و استبداد می شوند . از این تلاش چاره ناپذیر است که فهم ما از سلطنت استبدادی ، امپریالیسم خارجی ، و تمام طبقات صاحب مال و ثروت ناشی گشته است . و بهین ترتیب ادراک ما از توانائی های دوران ساز کارگران و زحمتکشان ایران ، بیش از ۷۰ سال پیش ، انقلاب مشروطه ، مسائل اساسی جامعه عقب افتاده شرقی ، استبداد و محشقات و ستم ناروای دول غربی یعنی مسائل را که امروز شعار ده ها میلیون از مردم گشته است به پیش گذاشت . چه صورت گرفت و چه چیز به اثبات رسید ؟ اینکه خواست آزادی ، استقلال سیاسی و اقتصادی ، صنعتی شدن و پیشرفت ، فقط از طریق همت توده مردم که در جاده مبارزه عهد قد گذارنده اند ، بدست آمده است .

است . مبارزه برای کسب آزادی و قطع دست های ظالمین بیگانه ، از طریق انجمن ها و مجاهدین اعلمان پیشروی یافت . اما آخرالمره ، در شرایط نابرابری نیروها و امکانات ، انقلاب در دست های تزار و نمایندگان دولت انگلیس با کمک صاحبان مال و ثروت داخلی ، به فلاکت رسید . مجلس شورای ملی که برای استقرارش توده جان داده بود ، در دست سازشکاران با دولت و نظام قدیم ، بوسیله ای طبقه خافع مردم بدل شد . در سال های بعد ، قدرت سیاسی از مجلس به کابینه وزیرا ، از کابینه وزیرا به دربار سلطنتی ، به اطاق هائی که کارشناسان امپریالیسم و نمایندگان داخلی در پشت سر مردم حقوق و خواست های آنان را به یغما بردند ، منتقل گشت . با از بین رفتن انجمن ها و مجاهدین ، آزادی نیز از ایران رخت بر بست . بدین ترتیب ثابت شد که ستون فقرات آزادی و استقلال در ایران را قدرت توده عظیم مردم که بطور مستقل متشکل شده است ، تشکیل می دهد .

بدون وجود آزادی ، سر پیشرفت جامعه ، ترقی و تولید بسنده برای رفع نیازهای اکثریت مردم نیز سدود گشت . ما در عصر پیشرفت های عظیم علمی ، زمانی که ماشین و تکنیک برای بارآوری بیشتر کار افراد در شهر و روستا در دست است ، زندگی می کنیم . اما ایران ، عقب افتاده ماند و هر روز اوضاعش وخیم تر از گذشته شد .

همین چند سال بیش ثروت عظیمی از درآمد نفت به ایران سرازیر شد . چطور شد ؟ ثروتسندان ثروتمند تر شدند و کارگران و زحمتکشان بی چیزتر . ایران که تا قبل از این افزایش درآمد از لحاظ تولید محصولات کشاورزی کفاف خود را می داد ، قسمت اعظم محصولات غذایی را امروز از خارج وارد می کند . روستا و روستائی کوچک و بی چیز بمران شدند . صد ها هزار روستائی عرسال بی خانمان و آواره شدند .

- هر روز ما به بیمارستان های بیشتر نیازمندیم .
- هر روز ما به مدارس بیشتر نیازمندیم .
- هر روز ما به مسکن بیشتر نیازمندیم .
- هر روز ما به خدمات اجتماعی بیشتر نیازمندیم .
- هر روز ما به کشاورزی مدرن بیشتر نیازمندیم .
- هر روز ما به رفاه بیشتر محتاج هستیم .

در عوض با ازدیاد قیمت نفت ، هیچکدام از نیازمندی ها مرتفع نشد . کیفیت زندگی برای توده عظیم مردم حتی سخت تر و غیر انسانی تر شد . کم نیستند خانواده های که طی این مدت فرزندانشان توسط خفقان " رستاقیزی " بلعیده شدند ، بجای نان و آزادی ، خفقان سیاسی وحشیانه و تسلیحات ملبارد و ملبارد ها دلاری سرازیر گشت . تازه ، هر چه که در چارچوب نظام فعلی ، از اتومبیل گرفته تا صنایع جدید ، که بی بایست زندگی بهتری را ایجاد کنند هر کدام اثرات زیان بخش خود را در تمام محیط زیست پراکنده اند . کاربرد علم ، صنعت و تکنیک که تنها راه پیشروی اقتصادی است نیز در نظام فعلی اثرات مخرب خود را پراکنده کند . هر روز هوایی که استنشاق میکنیم و آبی که می نوشیم آلوده تر شد .

تناقض تا چند ! درآمد نفت چند برابر شد و محصولات مصرفی از دسترس مردم دورتر شد و خدمات اجتماعی قلیل تر و قلیل تر .

مردم ایران به رفاه و آسایش بیشتر چشم دوختند ، در عوض برنامه های تفریحی و تفریحی - سرگشته کارگران در صدر برنامه های دولت قرار گرفت ؛ توده د حقانان با فقر ، ویرانی ، مهاجرت به شهر و بیگاری روبرو شد ؛ برای کلبه ستمدیدگان و استثمارشدگان فلاکت سر به فلک گذاشت .

این تناقض کبره - وخیم تر شدن اوضاع زندگی در عصر پیشرفت های بسیار ، بیشك نتیجه بحران سرمایه داری است . امروز واقعیات نپین و روابسط نیروها در سطح جهانی ، هرگونه حقوق رفاه و زندگی بهتر را برای کلبه کارگران و زحمتکشان در چارچوب دستگاه سرمایه داری غیر ممکن کرده است .

رژیم عتکرد کبره و غیر انسانی دستگاه اجتماعی نهاد دشوار نیست . صاحبان قدرت و ثروت در ایران ، این اقلیت اجتماعی بسیار کوچک ، همه چیز را آنطور ترتیب می دهند تا هر روز ثروت بیشتری بحیب بزنند . برای اینان ابتدا مطرح نیست که مردم آزار می بینند و رنج می کشند . آنچه ایران و سرودشده ها می بینند و مردم زحمتکش برای اینان ابتدا مطرح نیست .

مردم زحمتکش برای اینان ابتدا مطرح نیست .

هم اکنون به خروج شاه انجامیده است ، قدم بسیار مهی را در خانه دادن به این دستگاه اجتماعی که پشه صدها مصائب را تشکیل می دهد ، برداشته است . آری ، برای خانه دادن به قهر خونین استبداد و رهایی از زنجیرهای اسارت سادات امپریالیسم ، حکومت نپین باید ایجاد گردد . حاکمیت مردم باید جایگزین حکومت خود گناه سلطنت گردد .

پیروزی عظیم فعلی تا کنون ثابت کرده است که با وجود دستگاه کنونی هیچ امدی برای بهبود نیست ، یکسال مبارزه و جاننازی ، نشان داد که شاه قادر به ارائه کوچکترین احتیاج نیست . برنامه شاه برای فرار از افلاک ، نتیجه اش فلاکت بیشتر برای زحمتکشان بود ؛ لغو کلیه اصلاحات ، حتی ناچیزترین آن بود ؛ سرکوبی دموکراسی و جلوگیری از رژیم دموکراتیک بود ؛ قهر خونینی که ده ها هزار نفر را قتل عام کرد ، به این واقعیت شهادت می دهد .

ولیکن زمانی که قهر خونین ، نانه و سلسل قادر به شکستن عزم و اراده مردم نشد ، امروز امپریالیسم آمریکا و طبقه حاکم ایران وسیله ای دیگر را برای حفظ خود بکار گرفته اند ؛ وسیله تحمیل " روش به روش " چه چه کردن ؛ وعده و وعده های بی شمار دادن ؛ روش آفرین گفتن به توده مردم ؛ روش دادن امتیازات اساسی و نظایر به ارائه امتیاز به مردم . امد ایسان اینست که از طریق ابزاری از قبیل کابینه بختیاره ، شعله آزادی در ایران را خاموش کنند ، تا آنها دوران جباری و جدادی خود را مجدداً مستقر سازند .

اما صراحت گرانبهای تاریخ معاصر همه این توطئه ها را نقش بر آب می کند . برای بیش از ۷۰ سال از انقلاب مشروطه ، ما شاهد دهها و دهها حکومت بوده ایم . حکومت هائی که به تهدید و گلوله متوسل شدند و حکومت هائی که به حمایت از امد و آسایش و خواست های مردم تظاهر کردند . اما هیچکدام از اینان ، قادر به برداشتن قدمی یا ثبات و پایدار در حل مسایل اساسی ایران نشدند .

جوهر کلام همه این حکومت ها برای مردم زحمتکش ایران همواره این بوده است ؛ برای دفاع از سط زندگی خود مبارزه نکنند ؛ مسایل قانون و قانونگذاری را به " متخصصین " واگذار کنید و شما هنوز آمادگی برای دموکراسی ، برای اعمال اراده خود را ندارید . حصول آزادی و پیشرفت در ایران نیازمند تأمل است و در نتیجه در این مسیر پافشاری نکنید ؛ آزادی که داشته باشید ، کمتر بخورید ، کمتر درآمد داشته باشید ، بیشتر برای محصولات مورد نیاز پول بد همد تا ایران در جرگه کشورهای پیشرفته درآمد ؛ حق خود را در رابطه با زندگی اقتصادی ، اجتماعی ، سیاسی و فرهنگی فراموش کنید .

بعضی از اینان از در ضدیت و قهر خونین و شدت تا از شرکت توده عظیم در مبارزه خواست هایشان جلوگیری کنند . برخی دیگر ، بعضی از خواست های توده را برداشته و گفتند که ما بجز شما اینرا تا تأمین خواهیم کرد ، به خانه های تان بروید امروز آقای بختیار می گوید ، ساواک را منحل خواهد کرد ؛ به اسرائیل و آفریقای جنوبی نفت نخواهد فروخت ؛ زندانیان سیاسی را بتدریج آزاد خواهد کرد ؛ حکومت نظامی را بتدریج برخواهد داشت . آقای بختیار می گوید که مردم من برای شما اینکار انجام خواهم داد . حال آنکه ، همه میدانند که

دست توانای کارگران نفت است که استخراج و صد نفت را همیشه تعیین کرده و میکند . اعتصاب کارگران نفت است که آقای بختیار را مجبور به دادن این وعده ها میکند . حال آنکه همه میدانند ، قدرت صا دهها میلیون زحمتکش است که ساواک را با خط نابودی روبرو کرده است و امروز آقای بختیار وعده را میدهد . صحتظور در مورد آزادی زندانیان سیاسی و حکومت نظامی ، صحتظور در مورد کلبه ستم اجتماعی کوچک و بزرگ .

بختیوانه ، تداوم مبارزه مردم ، اعتصاب سراسری کلبه کارگران و کارمندان بوده است که تا به اینج امپراطوری خفقان و تهدید و ارباب را به مرکز کار فعلی بین توده مردم و حاکمین قداره بند در سراسر جهان بدل کرده است . این قدرت و تلاش قهرمان بوده است که قلب سبازان را به همبستگی با برادر و خواهران زحمتکش آنان گرم کرده است . کلبه اعتصاب کارگران ، کارمندان ، دانشجویان ، ق متشکل شده ، مردم در جلسات ، تظاهرات و احه بوده است که این پیشروی اعجاب انگیز را تا به

تا خروج شاه از ایران، رسانده است. این قدرت است که تنها تضمین حفاظت اقتدار حاکمیت مردم و دموکراسی در ایران خواهد بود.

و حالا که شاه مجبور به ترک ایران شده است چه حکومتی باید جایگزین آن گردد؟ مردم ایران با عمل قهرمانانه، ده ها میلیون هم اکنون به این سؤال پاسخ گفته اند. حکومتی که براساس سازمان های مبارزه کارگران و زحمتکشان استوار است و از منافع اینان دفاع می کند - حکومتی که بر اراده مردم استوار است - تنها از طریق خواست خود مردم است که حکومت نوین ایران باید بنیاد گذاشته شود.

لحظات تاریخی که امروز ما شاهد آن هستیم در هیچ زمان تا این حد سرنوشت ایران را در دست توده مردم قرار نداده است. فتح دموکراسی و ایجاد رژیم دموکراتیک تا این حد نزدیک و در دسترس نبوده است.

طبقه همه موانع از قهر شاه و نیکسارها گرفته تا حمایت کارتر، از حمایت صوا کوشگ گرفته تا حمایت برزیل، مبارزه انقلابی، اعتصاب های انقلابی، تظاهرات میلیون و میلیون ها اراده ده ها میلیون از طریق مبارزه دارد فائق می گردد. قدرت انقلاب، قدرت عمل ده ها میلیون اعجاز کرده است. امروز نیز وظیفه تعیین حکومت نوین، با خود مردم است. چرا که ایجاد حکومتی که از منافع ده ها میلیون مردم ایران دفاع کند از عهد یک، چند تن، چندین هزار تن، و چندین ده هزار تن خارج است.

هیچ حکومت از بالا تعیین شده ای به ایران آزادی نخواهد آورد.

فتح دموکراسی، کوتاه کردن دست های آمریکان، کسب استقلال واقعی، فقط از طریق مبارزه توده عظیم امکان پذیر است.

در نتیجه لازم است که فوراً مجلسین رستاخیزی شورا و سنا معطل گردند. لازم است که فوراً مجلس مؤسسان بر پایه انتخابات عمومی با رأی مستقیم، شایسته و مخفی برگزار گردد. صرف نظر از اینکه چه رژیمی در ایران فعلاً بر سر کار است، امروز شوری و حیاتی است که توده عظیمی که طی مبارزاتش برای دست آوردن های کنونی جان فدا کرده است، آزادانه بتواند مسائل امروزی کشور را بحث کند. تنها مجلسی که از نمایندگان واقعی مردم تشکیل شده است می تواند تمام مسائلی که ایران با آن روبرو است، بحث کرده و تصمیم اتخاذ کند. همه احزاب و نیروهای سیاسی ایران باید آزادانه حق شرکت در این مبارزه دموکراتیک را داشته باشند. از دانش آموزان دبیرستان ها گرفته تا هر بخش دیگر جامعه، با سواد و بی سواد بایست حق شرکت در انتخابات را داشته باشند. همه سازمان ها باید حق شرکت در انتخابات مجلس مؤسسان را داشته باشند. همه گروه های سیاسی منوع شده از طرف شاه باید در این جریان حق شرکت داشته باشند. همه سازمان ها باید حق شرکت در انتخابات مجلس مؤسسان را داشته باشند.

نظارت بر این انتخابات وظیفه خود مردم است. فقط از این طریق است که میتوان از سوء دخالت رژیم های حکومتی در جریان تصمیم گیری دموکراتیک جلوگیری کرد. کمیته های کارگران، سربازان، زنان، روستائیان، چه آنانی که هم اکنون موجود هستند و چه کمیته هایی که باید بوجود آیند، می توانند مطالب مختلف را بحث کرده بر انتخابات مجلس مؤسسان نظارت کنند.

نمایندگان مجلس مؤسسان باید از طریق آراء سراسری انتخاب شوند. فقط از این طریق است که هر نیروی سیاسی، حتی با درصد کوچکی از آراء در سطح کشوری می تواند صدایش را از طریق مجلس مؤسسان به گوش همه رسانده و بدین ترتیب دموکراسی امیسل برای بحث و تصمیم گیری مسائل ملکتی حاصل گردد.

هدف از تشکیل مجلس مؤسسان محدود کردن بحث مسائل کشور به این مجلس نیست. غیر بحث کلیه مطالب و مسائل ملکتی باید در کارخانه ها، باژگان ها، مابین سربازان، روستاها، معادن مختلف سکونی، دبیرستان ها و دانشگاه ها صورت بگیرد. فقط از این طریق است که توده عظیم واقعاً می تواند در تصمیم گیری شرکت کند. دست آوردن های مبارزه را تضمین کند و گسترش انقلاب برای شکستن زنجیر ستم و استثمار را به انجام رساند.

در حال حاضر، در شرایطی که توده عظیم مردم قادر به کسب پیروزی میهنی علیه استبداد و نظام در حال

استعمار ایران نشسته است. امپریالیسم آمریکا، نیکسار، های ایرانی، ملاکین و سرمایه داران بزرگ تمام برنامہ خود را بدور و محور اساسی طرح ریزی کرده اند. اینان عداوت و بی وفایه دست نگار ساهواتر و تخریب جریمان تولیدی و توزیعی گشته اند تا شاید با ایجاد فاجعه ای بی سابقه فرو ریختن دست آورد های مبارزه سازمان های مبارزه کارگران، روستائیان و دانشجویان را فراهم آورند. در عین حال بخشی از نیکسارها برای متوقف کردن انقلاب نقشه کودتا می بینند. اینکه این نقشه های امپریالیسم آمریکا و حامیان داخلی آن موفق به انجام خواهند گشت، مطلب دیگری است.

فاجعه ای که اینان برایش تدارک می بینند، کودتایی که اینان برایش توطئه می چینند، در شرایط عمیق تر شدن مبارزه کارگران، در شرایط بروز جنبشی عظیم صفوف ارتش با مردم، بسیار دشوار است. لکن یک لحظه درنگ در تشکیل بیشتر کارگران، سربازان و گل زحمتکشان جایز نیست.

باید به شکل هرچه بیشتر کمیته های اعتصاب، کمیته های مبارزه در نواحی سکونی، کمیته های روستائیان و بالاخره، کمیته های سربازان مستعد رساند و با حداقل مانع آن نشد که پایه های دموکراسی مستحکم تر شده ساعات پیروزی های بیشتر نزدیک تر گردد.

شعار مرکزی تمام دموکرات ها، تمام سوسیالیست ها، مجلس مؤسسان است. تنها آن زمانی که سربازان کارگر، روستائی، زحمتکش و سباز سازمان های مبارزه خود را بوجود آورد ایجاد مجلس مؤسسان و موفقیت در تصمیم گیری دموکراتیک می تواند تضمین گردد. توده مردم می تواند با شرکت و تصمیم گیری در باره سرنوشت ایران، بدوران استبداد خاتمه داده و عسمره را بر چهارلنگان و غارتگران سرمایه داره تنگ سازد.

در شرایط استعمار و تضمین دموکراسی از طریق سازمان های توده ای مردم کارگر و زحمتکش، ساعت ها فرمانبرداری از انگل ها، فقط بد نبال سود جویی و طمع بود. حکومت های خود را بر مردم کارگر و زحمتکش تحمیل می کنند، به انتها خواهند رسید. بجای حکومت های طبقات اقلیت، سرمایه داران و ملاکین و کنترل امپریالیسم، حکومت اکثریت، جمهوری کارگران و دهقانان می تواند برقرار گردد. برقراری مجلس مؤسسان به مردم مظلوم ایران امکان خواهد داد تا از طریق نمایندگانشان به حکومت پشت پرده خاتمه داده، از طریق بحث و تصمیم گیری کاملاً آزاد، به کلیه مسائل ملکتی رسیدگی کنند. کارگران و زحمتکشان ایمران از اعلام خواست هایشان در مقابل یک تریبون سراسری هیچ واغنه ای ندارند.

کارگران و زحمتکشان ایران فقط از طریق مبارزه مستقل خود می توانند به حقوق حقه خود دست یابند. آری، اعتصاب، تظاهرات و راه پیمایی هاست که ایمن همه حکومت ظلم و فساد را لرزاند. استعفا، خلاصی نیست که برای کسب حقوق و آزادی ها یک روز اعتصاب کرد. یک روز به تظاهرات روی آورد و در عین حال به نیروهای سیاسی که از نظام موجود منفعت می برند و منتخب دستگاه در حال احتضار ایران هستند، اطمینان داشت.

تنها از طریق یک حزب وسیع سوسیالیستی است که قدرت مردم کارگر و زحمتکش ایران، در شهر و روستا می تواند دستگاه حکومت سرمایه داران، ملاکین و شرکای امپریالیست خارجی را منهدم کرده، حکومتی که به اکثر اراده و منافع کارگران و زحمتکشان است، برقرار کند. نه حزبی که فقط اعلامیه صادر می کند و حرف می زند بلکه حزبی مبارز که در مبارزه در مبارزات مردم شرکت می کند تا به گسترش این مبارزات یاری رساند. تا شرایطی را که برای برقراری جمهوری کارگران و دهقانان ایجاد شده، به ثمر رساند.

حزب کارگران سوسیالیست بد نبال تبدیل شدن به چنین حزبی است. برای این هدف تبلیغ کرده و مبارزه می کند.

بیش از ۷۰ سال پیش، زمانی که اجداد ما دیگر نمی توانستند دخالت های ناشروع و استعمارگرایانه روسیه تزاری و امپریالیسم انگلیس و استبداد قاجار را تحمل کنند، به مبارزه دوران ساز انقلاب شروط روی آوردند. توده عظیم برای آزادی، استقلال، پیشرفت و رفاه از پیغ امپریالیسم و استبداد به انقلاب روی آورد. بعد

صحنه مبارزه آن که در تریبون اندامی ورنه ای نبود. سلطنت، نیروهای بیگانه و طبقات صاحب مال قانون اساسی ایران را بعد از شکست مردم تدوین کردند. هرچه که در این قانون مترقی است از جان فشانی مردم باقی مانده است و مابقی از طریق نیروهای فوق الذکر تحمیل شده است.

اکنون زمان آن فرا رسیده است که دستاورد های مبارزات انقلابی گذشته، دستاورد هایی که از طریق تغییر هویت تاریخی و فرهنگی جامعه سعی به دفن آن شده است، مجدداً تجدید حیات یابد. ما، سوسیالیست های که در حزب کارگران سوسیالیست گردیم آمده ایم، بیانیه ای برای استقرار حقوق مردم کارگر و زحمتکش ایران تدوین کرده ایم. این حقوقی است که باید در قانون اساسی گنجانده شود. مبارزه برای این حقوق و کسب این حقوق است که امکان تدوین و تثبیت آنها در قانون اساسی ممکن می کند. ما برای کسب این حقوق دوشادوش کارگران و زحمتکشان ایران مبارزه میکنیم. هم امروز و هم فردا در مجلس مؤسسان، مجلسی که از طریق دموکراسی همه آراء، میتواند اراده مردم را در مقابل حکومت هایی که از بالا تعیین می شوند، تحکیم و تثبیت کند.

در دفاع از حقوق دموکراتیک اکثریت مردم

۱- برای احیاء و گسترش میراث انقلاب شروطی

بیش از ۷۰ سال پیش مردم ایران برای خلاصی از پیغ سلطنت خود کامه قاجار و ایادی قدره پند آن که عامل دست غارتگری های دول انگلیس و روسیه تزاری بودند قیام کردند. جوهر انقلاب شروطیست. پایان دادن به حکمرانی مطلقه سلطنت و دول استعمارگر خارجی و بنیانگذاری رژیم دموکراتیک بود که نماینده آمال و خواست های مردم ایران باشد. در مقابل پیگیری جنبش توده ای برای کسب آزادی های سیاسی، سلطنت سرانجام مجبور شد فرمان شروطیت را صادر کند و مجلس را برقرار سازد. در چشم توده های مردم، قانون اساسی لگائی بود که توده برد همان سلطنت و ایادی لحام گسیخته آن می زد.

انقلاب شروطیت، برای اولین بار در تاریخ ایران در مقابل خودکامی دیوار، حقوق مردم را پیش کشید و خواستار تثبیت و تضمین آن شد. اس و اساس این حقوق، برسمیت شناختن حق مردم برای تصمیم گیری در مورد سرنوشت خود بود.

در مقابل سرکوبی و اختناق قاجار مردم خواستار حقوق زیر شدند:

- حق آزادی بیان، مطبوعات، اجتماعات و مذاهب
- حق محاکمه در دادگاه بجای احکام و زورگویی های غیرقابل کنترل سلطنت
- حق رأی و انتخاب کردن نمایندگان مورد علاقه خود مردم
- حق ایجاد هیئتی از نمایندگان مردم که در مقابل خودشان و نه سلطنت مسؤول است
- حق صلح شدن مردم و تشکیل تشوین خود مردم
- حق اداره کلیه امور شهری و ایالتی از طریق سازمانهای توده ای خود مردم
- حق آزادی و همکاری داوطلبانه کلیه اقوام و طبقات های ساکن ایران
- حق استقلال سیاسی و اقتصادی ایران از امپریالیسم لکن با شکست انقلاب شروطیت و تضمین هیچیک از این حقوق صورت نگرفت. دول امپریالیستی، سلطنت پیران شده قاجار، و طبقات صاحب مال دست به یکی کرده پس از شکست انقلاب شروطی، آتارش را نیز دفن کردند. قانون اساسی تدوین شده پس از شکست انقلاب همه آنچه سلطنت و طبقات دارا تحمیل و تخریب کردند را باقی گذاشته است. از انجمنها و مجاهدین که شروطی را آفریدند اثری در قانون باقی نمانده است. از آزادی و همکاری داوطلبانه، طبقاتی ایران دیگر رد پائی نمانده است. تمام این میراث انقلابی مجدداً باید احیاء گردد.

۲- برای احیاء و گسترش میراث انقلاب دوم

انقلاب دوم ایران پس از پایان سلطنت رضاشاه و بعد از جنگ دوم جهانی این میراث انقلاب شروطی را در اشکال مختلف احیاء کرد. با حکومت رضاشاه همه طبقات ایران دچار سرکوبی ملی و فرهنگی شده بودند. انقلاب دوم با قیام این طبقات آغاز شد. در آذربایجان زبان حق رأی بدست آوردند. حکومت کارگران و دهقانان برای کمتر از یکسال در آذربایجان

بر سر کار آمد. بعد از سرکوب این قیام در ۲۶ آذر ۶۰ جنبش سراسری طی تظلم کرد. شایع جنبش کارگران در اتحادیه های خود متشکل شدند. صنعت نفت ملی شد. هم در آذربایجان و هم بعد از در سایر نقاط ایران در دهانان زمین های مملکت را صاحب گردید. داد انقلاب دوم. بعد از ۲۰ سال انقلاب دوم در شاهنشاهی خاندان حاکم های دیگری نیز شد:

- حق رای زنان و مشارکت آنان در تکرار امور جامعه
- حق آزادی بیان طبعیت های مستعبدانه
- حق تعیین سرنوشت این ملت ها از طریق آزادی خودشان
- حق متشکل کارگران در اتحادیه های کارگری
- حق دهقانان به مالکیت زمینی که در آن تراکم می کنند
- حق استقرار حکومت کارگران و دهقانان بجای حکومت طبقات دارا
- حق ملی کردن صنایع نفت و خارج کردن این صنایع از دست امپریالیست ها
- توده های عظیم مردم. امروز در ایران بسیاری از این حقوق را طلب می کنند. بر پایه این مراتب عظیم انقلاب گذشته و نیازهای مردم ایران در حال حاضر است که حزب کارگران سوسیالیست حقوق کارگران و زحمتکاران را در بند های زیر پیشنهاد می کند. در کارخانه ها، روستاها، دانشگاهها، در هر جا که مردم کارگر و زحمتکار ایران مبارزه می کنند یا خواستار کسب این حقوق عظیم. قدم فوری و حیاتی و غیرممکن رژیم حکومتی موجود. ایجاد مجلس مؤسسان، بر پایه آنچه قبلاً ذکر شده است می باشد. فقط از این طریق است که مردم خواهند توانست مسائل مطبق را پشت کرده و برای حل این مسائل به تصمیم برسند.
- کسب این حقوق و تأمین و تضمین آن. برقراری نظام اجتماعی جدیدی را در ایران لازم می آید. نظامی که از تولید و استحصال امپریالیست آزاد کند. است. حکومت طبقات صاحب مال. سرمایه دار و زمینداران بزرگ را با حکومت کارگران و کشاورزان جایگزین کرده است. هدف جامعه را از سر برداشتن به نفع اقلیت حاکم خارج کرده و در سر برداشتن به نفع مردم. مردم کارگر و زحمتکار قرار داده است. قانون اساسی جدید ایران حمایت از نظام نوین را باید در خود منعکس کند.

برای برقراری فوری مجلس مؤسسان

هیچ حکومت از بالا تعیین شده ای به ایران آزادی نخواهد آورد. وظیفه مردم نیست که حکومت های دستچین شده از بالا حمایت کنند. وظیفه اساسی موجود آوردن حکومتی است که از خاستگاه و مآزرات مردم حمایت می کند. هدف از استقرار حکومت نوین کسب کلیه خواست های بخشهای مختلف صنعت و استخراج جامعه است. مردم نمیتوانند و نباید برای کسب خواست های خود به انتظار آین و بسا آن حکومت پیشینند. دست روی دست گذاشتن به عنوان دوران استبداد. ایجاد کارگران و دهقانان و زحمتکاران، زنان، طبقات محروم، دانشجویان و بازرگان سرمایه دار باید برای کسب خواست های مربوطه خود را متشکل کنند. مجلس واحدی که تمام نیروهای مختلف سیاسی و مدنی که مردم را نمایندگی می کنند باید بدون درنگ ایجاد گردد. جوهر مخالفت نیروهای مختلف سیاسی که به حمایت از طایف مردم در نظر نمی کنند و با شعار مجلس مؤسسان مخالفت می کنند را متخاصم اینان با آزادی واقعی مردم، حق حاکمیت مردم تشکیل می دهند. در نتیجه کارگران، سرمایه داران، و زنان، توده های مردم برای برقراری مجلس مؤسسان در انتظار نشسته از طریق سازمان های مبارزه خود و از طریق اتحاد این شعار مرکزی مبارزه برای دموکراسی در ایران، شرایط برای کسب کلیه حقوق مدنی، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی را تحکیم می کنند.

مجلس مؤسسان با بررسی مسائل ملتی اساسی زیر توجه است:

- طایف محاصر ایران. تاریخ پایداری استعداد و طلب اندوگی است. این واقعیت نشان میدهد که راه حل اساسی مسائل ملتی ایران از طریق یکپارگی برای دموکراسی و سوسیالیسم آنگاه پذیر است.
- مصادرات سلطنت سرمایه داری در ایران، «عشا» کلیه امرای اجتماعی ایران است. سرکشی، فخر و بیگاری مردم. در شهر روستا از نفوذ امپریالیست و سادات شرکاء داخلی ایران ناشی شده است.
- همبران این دستگاه در حال استعمار است که حتی امروز پس از خانه یافتن سلطنت شاه، کشور را با خطر جامعه و با بازگشت حکومت های نظامی تهدید می کند.
- حل این مسائل بدون اقدامات انقلابی که مناسرا از خطر نابودی در پیچ و پلای فاجعه نجات دهد، امکان پذیر نیست. خواست اکثریت طایف کارگران و زحمتکاران ایران اتحاد طریق و شیوه های منطبق انقلابی است.
- ایران نوین بر پایه های سازمان اجتماعی و اقتصادی نوین باید تجدید بنا پیدا کند. با برقراری مجلس مؤسسان، هیئت فوق با اتحاد این پایه های نوین روبروست.

۱- حکومت

حکومت های محلی باید از طریق نمایندگانی که به ظهور دموکراسی از طرف سازمان های کارگران، روستائیان، کارمندان، سپاهان، دانشجویان و محصلین دبیرستان ها انتخاب شده اند، تشکیل گردد.

حکومت کشوری بر پایه نمایندگان این سازمان ها، در سطح سراسری و همگامی در اوطاق نمایندگان ملیت های مستعبد، برقرار گردد.

در تأمین این حکومت، در هر سطح این حکومت، هر زان می تواند توسط انتخابات برگزیده

حقوق ما چنین این حکومت از حقوق خود کارگران می تواند بیشتر باشد.

این تنها شکل حکومتی است که می تواند اقتصاد کشور و همه مسائل مربوط به زندگی کشوری را در خدمت به منافع اکثریت و نه استعمارگران هدایت کند. منافع مردم زحمتکار را حقوق سرمایه داران سراسری جمع آوری ثروت قرار داده، از جامعه ای که صاحبان ثروت در دنیای ایجاد آن هستند، احتساب ببرد.

۲- قطع بیخ امپریالیسم

امپریالیسم جهانی از طریق قرارداد اقتصادی و نظامی، ایران را در پیچ اسارت غصب کرده است. باید کلیه قرارداد های اقتصادی و نظامی که امپریالیسم آمریکا با ما تحمیل کرده است لغو گردد. و کلیه مستشاران آمریکائی را از ایران اخراج شوند. خروج از پیمان نظامی سترو و لغو کلیه قرارداد های و پیمان های نظامی با کشورهای امپریالیستی و دولت های دست نشانده آن فوراً بعه اجرا گذاشته شود. یک قفله نفت می باید به کشورهای اسرائیل و آفریقای جنوبی صادر شود. بجای حکومت های نژاد پرست اسرائیل و آفریقای جنوبی همگامی با توده های فلسطینی و ساکنان آفریقای جنوبی باید جایگزین روابط با این حکومت ها گردد. کلیه شرکت ها و مالکیت های خارجی بدون پرداخت یک شاهی غرامت، مصادره و ملی شوند. برای جبران خسارت وارام بانک ها و شرکت های امپریالیستی که برای کسب منافع مردم ایران داده شده اند، محسوس یک شاهی هم نباید توانست مسائل مطبق را پشت کرده و برای حل این مسائل به تصمیم برسند.

۳- اتحاد کارگران و کشاورزان و برنامه اصلاحات ارضی

در مورد روستائیان کوچک و بی چیز، خواستهای زیر فوری است:

زمین به دهقانان، زمین از آن کسی است که آسرا بخارد. سلب زمین از مالکین بزرگ و مالکین غایب بدون پرداخت غرامت، اعطای امتیازات و قرض های دراز مدت با شرایط آسان به دهقانان. لغو تصام به دهقانان بدولت از باب تصام. اصلاحات ارضی، اجتناب حساب و کتاب بانک کشاورزی و دیگر مؤسسات مربوط.

تمام حقوق کارگران صنعتی باید به کارگران کشاورزی تعمیم داده شود. زمین و مالک زمینداران بزرگ، مصادره بدون پرداخت یک شاهی غرامت مصادره شود. زمین دهقانان قهر تصیم شود. بسا به صورت مزارع تعاونی و اشتراکی تحت کنترل کارگران کشاورزی گذاشته شود. برنامه ملی کردن زمینها و اشتراکی کردن کشاورزی باید طوری طرح ریزی شود که از همان آسان کار، امکان سلب مالکیت از کشاورزان گردد. با و اشتراکی سازی اجباری آنان، از زمین برود. کشاورز خود با تا زمانی که خود مکن و بسا لازم تشخیص می دهد، مالک قطعه زمین خود خواهد بود.

در رابطه با ایل نشینان که همواره تحت فشار بر پایه های دولت بوده اند مطالب زیر باید توجه همه کارگران و زحمتکاران قرار گیرد: توجه محسوس به عمران و اقتصاد ایل نشینان، بر علیه امکان تصحلی ایل نشینان، کنترل مناطق ایل نشینان توسط خودشان.

۴- آزادی های سیاسی و مدنی

آزادی کلیه زندانیان سیاسی، بازگشت کلیه تبعید شدگان، لغو کامل سانسور، آزادی نظارت بر جمعیت، آزادی بیان و اندیشه، آزادی همه آزادی های آزادی و حقوق مساوی برای همه مذاهب، آزادی محل استیضاح، آزادی سند پکاها و اتحادیه های کارگری، حقوق سیاسی و مدنی کامل و مساوی برای زنان، حقوق سیاسی و مدنی کامل و مساوی برای کارگران مهاجر افغانی، پاکستانی و غیره. همه باید تأمین تعیین گردد.

۵- آزادی ملیت های مستعبد

نقش اساسی نوین حقوق ملیت های هر فزاین، سرکوب زبان مادری و حق تعیین سرنوشت از پایه های اساسی حاکمیت سلطنت پهلوی، سرسپاسیبه داری و امپریالیسم در ایران بوده است. آزادی زبان ایمن ملیت ها باید برقرار گردد. ملیت های مستعبد ایران باید حق داشته باشند سرنوشت خود را برطرف که صلاح می دانند تعیین کنند. باید رؤا شدن مستم بر اساس زبان و فرهنگ و نژاد میحماً غیر تابعی انجام گردد. برنامه های مخصوص دولت مرکزی برای تسوای مدارس و دانشگاه ها و دیگر برنامه های مرفعی مناطق ملیت های مستعبد فوراً باید در دستور کار قرار گیرد. فقط از این طریق است که زحمتکاران فلسطینی توانستند سالی را که تحت ناامنان غلبه برادران و خواهران خود در میان آن رنج می بردند، گردانند. بلوغ ها و عرب ها از طرف دولت مرکزی رؤا شده، جریان کنند. نظامی که دولت مرکزی سبیل آن بوده است را با اتحاد جنگل ناپذیر کلیه مردم زحمتکار ایران، در بین همه ملیت ها، از بین ببرند.

۶- حقوق کامل و مساوی زنان و آزادی زنان

زنان، این توده عظیم مردم قین ها مستعزده و محروم بوده اند. در عصر جدید کارگران این صنعت مستشاران مسلط قرار گرفته اند. آزادی زنان از وظایف اساسی انقلاب است. حقوق سیاسی و مدنی کامل و

مساوی برای زنان، زنان برای کار مساوی، با استناد دستوروی مساوی با دیگر کارگران بگیرند. برای تضمین استقلال اقتصادی زنان باید مراکز محدود که بجای کسب معارج آن توسط حکومت تأمین شوند، برقرار گردد. زنان باید از حق کنترل جسمانی، حق تصمیم گیری در مورد بارداری شدن و بچه دار شدن برخوردار باشند و این امر حق آنها در استفاده از سقط جنین و استفاده از وسائل جلوگیری از حاملگی را در بر می گیرد.

۷- لغو اسرار معاملاتی

سرمایه داران، مالکان، زمین داران، صاحبان شرکت های بزرگ و دولان سرمایه خارجی، رئیس دیوان سالاری ارتش و دولت و معارف وابسته به دپارتمان برای مخفی نگاه داشتن میزان بحد و حصر حسابها، هایشان همیشه اسرار ثروت خود را مخفی نگاه میدارند. باید تمامی دفاتر حساب و کتاب و اسرار معاملاتی این شرکتها را با شفافیت در دسترس عموم قرار داده شود. اقدامات کارمندان بانک مرکزی نمونه ای بارز از اهمیت این مطلب را نشان داده است.

۸- علیه خروج سرمایه به خارج از کشور و علیه اخلاص

و سبوتای سرمایه داران در تولید باید تمامی دارایی های سرمایه داران و ثروتشان از فارغی که حلقه ها عنوان ثروت مردم فقیر را از کشور خارج کرده اند و می کنند، مصادره و محدودیت به دارایی ملی مردم شود. و برای این کارگشاها هم غرامت پرداخت نشود.

۹- کنترل کارگران و زحمتکاران بر بانک ها، صنایع، تجارت و خدمات اجتماعی

سرمایه داران طفیلی خود را با استقرار کارگران قهر می کنند. کارگران باید حق داشته باشند که از "اسرار" بانکها، کارخانه ها، و تمام بخش های معدنی، صنعت و حمل و نقل، و بطور کلی اقتصاد ملی آگاه باشند. باید بجای سلطه مدیریت کارخانه ها، کنترل کارگران گذاشته شود. از این طریق باید کنترل عمومی کارگران و زحمتکاران بر بانک ها، صنایع و تجارت مستقر گردد.

ادارات و مؤسسات و شرکت های عظیم دولتی، که چنین با نظر از زحمتکاران ایران کارگران، فرستگهان، کارمندان و غیراً را با مفاخر منافع سرمایه داران استقرار می کنند، باید تحت کنترل کلیه های کارگری یا کارگری گشته و با اتحادیه های کارمندان دولتی درآورد. خود تا میسرند خدمات اجتماعی واقعی برای زحمتکاران و بدست آنان برقرار گردد.

۱۰- علیه تورم و بیگاری

کارگران نمیتوانند و نباید بارگشایی استقرار و مفاخره سرمایه داری و فعالیت اقتصادی را بدوش بکشند. در مقابل افزایش دائمی قیمت کالا مساوی مصرفی باید دستور کارگران نیز متناسب با بالا رفتن قیمت ها افزایش داده شود. میزان افزایش قیمت ها باید توسط کمیته های منتخب کارگران، و تخمین منصفانه و آمارگران واداره آنها تعیین و برآورده شود. باید برای تمامی کارمندان حداقل دستمزدی که بتواند آن زندگی سالمی داشته تعیین گردد.

باید برای هر کسی که خواهان کار کردن است، کار تأمین شود. ساعات کار نباید از حد اکثر ۴ ساعت در هفته تجاوز کند. برای افزایش میزان کار، حکومت باید به بهره های وسیع عمرانی، نظیر طرح های خانهد سازی، شهرسازی، ایجاد مدارس و دانشگاه ها، مهد های کودک، پارک ها، جاده سازی و غیره، دست بزند. متخرج تحصیلاتی عظیم ارتش، پلیس و ژاندارمری باید تماماً قطع صرف پروژه های عمرانی شود. همچنین باید سیستم مالیات مستقیم در همه بندی شده ای، که با افزایش درآمد به شدت افزایش می یابد اعمال گردد. کارگر و زحمتکار باید از مالیات معاف گردد. مالیات غیر مستقیم که از فقیر و گرو فقیر و احتیاج زندگی توده و وسیع اخذ می شود باید لغو گردد.

بعلاوه برای حفظ سطح زندگی کارگران و بالا رفتن لایز است که "برنامه" بیمه و رفاه اجتماعی و ملی اجتماعی بیمه بیکاری نظری گردد. کارگران و کارمندان دین ناموسی باید از ترخیص سالانه حد اقل یکماه در سال، از حقوق و مزایای بازنشستگی بدون که زندگی سالمی را بعد از سن ۵۰ سالگی بجزر کنند. برخوردار باشند.

زنان، جوانان و کارگران مهاجر باید برای تساو مساوی دستمزد مساوی با دیگر کارگران بگیرند.

۱۱- ملی کردن بانک ها

شرکت های بیمه و صنایع عمده و حمل و نقل بدین تنظیم ملیت بانکها امکان ندارد که تولید و توزیع کالاها در جهت نیازهای مردم کنترل و تنظیم شود. و بدین قفله اردن آنها یک قدم اساسی در راه بهبود زندگی نیکت بار مردم می توان برداشت. تصام سرمایه داران از طریق بانک ها نقشه های گوناگون خود را برای چپاول و غارت توده های بی چیز تعیین می کنند و به اجرا درمی آورند. باید تمامی بانک ها ملی شود و در یک بانک واحد دولتی ادغام گردند. باید تمامی شرکت های بیمه ملی شوند. بانک ها و صنایع معدوم و معجزین قسمت های تجارت بطور انحصاری در دست مردم توزیع شده اند. باید کسبه

صنایع عمده و بخش های معدوم تجارت و با معمار و درآمد ملی شود تا بتوان فعالیت اقتصادی جدید بطور جدی در جهت نیازهای مردم تنظیم کرد. این ملی کردن صنایع فرقی اساسی و کلیس با "تخم سازی" دستگاه سلطنت دارد. شرکت های "تخم نفت"، گاز، پتروشیمی، ذوب آهن و غیره، تصام مفاخر قدرت و استقرار سرمایه داران و سلطنت امپریالیسم بوجود آورده اند.

برای بانکداران و سرمایه دارانی که در جاهای مختلف ملی می شود یک مثال غرامت هم برداخت نخواهد شد. مصادره کردن ابزار بزرگ تولید و توزیع مطلقاً بعد مصادره اموال روستائیان، واحد های تجاری کوچک بیشه برین نیست.

۱۲- انحصار تجارت خارجی

سراسر تجارت خارجی باید در انحصار دولت بگردد تا بتوان آنرا برای خنایف جمعی همه مردم کنترل کرد.

۱۳- انحلال ساواک، پلیس، ژاندارمری، حقوق سیاسی برای سربازان، مسلح کردن مردم

تمام دستگاه های غلطان را و سرکوب باید منسوخ شود. ساواک باید منحل گردد. پلیس و ژاندارمری باید منحل گردند. وظایف مختلف نظم در شهرها روستاها را از گروه های مسلح مردم و کارگران و دهقانان بعهده خواهند گرفت.

به غلطان در ارتش باید خاتمه داده شود. سلسله مراتب ارتش باید لغو گردد. ارتش باید دموکراتیک شود و سربازان از حقوق سیاسی و مدنی کامل برخوردار شوند. و سربازان فرماندهان ارتش باید توسط کمیته های سربازان و رأی سربازان انتخاب شوند.

تمام دادگاه های نظامی و ویژه باید لغو گردد. برای محاکمه همه جرائم قضات باید انتخاب شوند و هیئت محلفه از مردم حضور داشته باشند. مرا خود بدالت را اعمال خواهند کرد.

برای دفاع از اتحاد انقلابی کارگران و کشاورزان در مقابل سانسور سرمایه داران و امپریالیسم، بسا دفاع از حیات جمهوری کارگران و کشاورزان، باید همه مردم مسلح شوند. تشکیل تشکیلات سباعتی در زمان حیات انجمن عزیز در انقلاب ضرورتی است. سرمایه بدین شکل تشکیلاتی مردم است. سازمان دفاعی شهر آتش و شهرهای دیگر نمونه نیروهای حفاظتی مردمی را نشان می دهد. کارهای دولتی را باید توسط کارگران در کارخانه ها، در صنعت نفت نیز هم طلب را نشان می دهد. با گسترش هر چه بیشتر اینگونه سازمان های دفاعی، در سطح شهری و ملی مراکز کار کارگران و در روستاها است که سربازان، فرماندهان جمعیت زحمتکار، ریشه های طبقاتی سرمایه داری را برکنار کرده اند. به جانب کارگران زحمتکاران جلب خواهند شد.

۱۴- همبستگی بین المللی

وقتی که جامعه در دست کارگران زحمتکار قرار می گیرد، زمینه بیشتر جامعه مساوی و رفاه همگانی مهیا می شود. ولی این پیشرفت تنها از طریق همبستگی و اتحاد با کارگران و زحمتکاران کشورهای دیگر امکان پذیر است. تحت شرایط استثنای محاصره شده در دنیای از استعمار و فقر، جمهوری کارگران و دهقانان نمیتواند در جهت پیشروی جامعه قدم های چندانی به جلو بردارد.

انقلاب عظیم توده های مردم محروم ایران، هم اکنون همه کشورهای مجاور را تحت تأثیر خود درآورد. اما چطور ممکن است جز این باشد؟ مردم ترکیه، پاکستان و افغانستان چشم های خود را به استقلال، اسرار و دولت اند. از این الهام می گیرند و بخود اتحاد پیدا می کنند. فریاد آزادی ارتد خود را بدین شکل اعلام می کنند. این همبستگی بین المللی در فلسطین بعد از سالها انزوا مدهای محکم همبستگی ملیت ها را از ایران نشود. است. از این همفراتسرها سازمان آفریقای جنوبی باران خود را در ایران حیر کرده اند. انقلاب ایران دوران غیور و آسین داغ را در تمام حلقه ها کشود. است. دوران قیام مردم مستعبد را علیه طبقات سحر، از اینو کارگران و زحمتکاران ایران با استقرار جمهوری کارگران و دهقانان، مستعد برای "ایالات متحد" سوسیالیستی غاوریانه را خواهند گذاشت.

• • •

پیشنهاد "حزب کارگران سوسیالیست" قانون اساسی، بر پایه حقوق کارگران و زحمتکاران ایران، در اولین فرست برای بحث و تصویب سوسیالیست ها به لنگره حزب عرضه خواهد شد.